

دانشگاه فرهنگیان
فصلنامه علمی تخصصی
پژوهش در آموزش مطالعات اجتماعی
دوره پنجم، شماره سوم، پائیز ۱۴۰۲

تحلیل سؤالات جامعه‌شناسی کنکور سراسری بر اساس حیطة شناختی بلوم (۱۴۰۱-۱۳۹۲)

ارسال: ۱۴۰۲/۰۹/۰۱	سیدمیلاد محمدحسینی نژاد ^۱
پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۳۰	زینب کوچکیان ^۲

چکیده

هدف پژوهش حاضر، ارزیابی محتوای سؤالات کنکور سراسری از نظر توجه به سطوح شناختی بلوم می‌باشد. روش مورد استفاده در این پژوهش تحلیل محتوا است و جامعه مورد مطالعه در این پژوهش سؤالات جامعه‌شناسی کنکور سراسری از سال ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۱ می‌باشد. ابزار این پژوهش، فرم تحلیل محتوای محقق‌ساخته با توجه به الگوی حیطة شناختی بلوم می‌باشد. یافته‌های تحقیق نشان داد که سهم سؤالات در سطوح دانش، درک و فهم، کاربرد، تجربه و تحلیل، ترکیب و ارزشیابی به ترتیب ۷۲/۵ درصد، ۲۲/۵ درصد، ۱ درصد، ۳ درصد، ۱ درصد و صفر درصد می‌باشد. نتیجه‌ی پژوهش به‌طور کلی نشان از پراکندگی نامتوازن سطح سؤالات از نظر طبقه‌بندی بلوم به نفع سطوح پایین شناختی دارد. پیشنهاد می‌شود در طراحی سؤالات کنکور سراسری به همه‌ی سطوح شناختی توجه شده و به سطح دانش محدود نشود. نتایج این پژوهش می‌تواند در طراحی سؤالات کنکور سراسری مدنظر قرار گیرد.

کلمات کلیدی: تحلیل محتوا، جامعه‌شناسی، حیطة شناختی بلوم، کنکور سراسری.

مقدمه

آزمون‌های سرنوشت ساز همچون کنکورهای سراسری که در مقیاس وسیع اجرا می‌شود و بر اساس نتایج آن‌ها تصمیم‌هایی بزرگ در مورد افراد اتخاذ می‌شود، تبعات مهم شخصی، اجتماعی و سیاسی دارند. از سوی دیگر، در دیدگاه آموزشی، سنجش باید یادگیری دانشجویان و خدمات آموزشی را ارتقا دهد. حال آن‌که رویکردهای سنتی و جاری سنجش در بازنمایی قابلیت‌های افراد با چالش‌های عملی و نظری همراه بوده‌اند و توانایی آن‌ها در سنجش و گزینش داوطلبان تردیده شده است؛ به گونه‌ای که متخصصان حوزه اندازه‌گیری آموزشی با اتکا به پژوهش‌های صورت گرفته به استفاده از روش‌های جدیدتر و کارآمدتر متمایل شده‌اند. (گرامی پور و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۹۲)

آمارها نشان می‌دهد که در سال‌های اخیر نزدیک به ۱.۵ میلیون نفر از جوانان در کنکور سراسری شرکت می‌کنند. پژوهش‌هایی که به منظور بررسی تاثیر کنکور بر برنامه درسی و شرایط روانی داوطلبان انجام شده نشان می‌دهد که کنکور به شیوه کنونی سبب ناکارآمدی نظام آموزش متوسطه و عقیم ماندن برنامه‌های آموزشی و درسی رسمی کشور می‌شود (حج‌فروش، ۱۳۸۳). چرا که امروزه در دبیرستان‌ها آموزه‌ها و آزمون‌هایی مورد توجه است که کاربرد بسیاری از آنها نمره‌آوری در کنکور است و حتی برای تحصیل دوره دانشگاه هم فایده‌ای ندارد، به طوری که حتی دانش‌آموزان پذیرفته شده در دانشگاه‌ها آمادگی استفاده مناسب از کلاس‌های دانشگاهی را ندارند و در دانشگاه دچار افت تحصیلی می‌شوند (کاردان، ۲۱۰: ۱۳۸۱) همچنان‌که شارع‌پور و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهشی بر وضعیت دانشجویان رشته‌ی جامعه‌شناسی تاکید می‌کنند و معتقدند بیشتر دانشجویان رشته جامعه‌شناسی فاقد توانایی‌های اساسی نظیر موارد ذیل می‌باشند:

- توانایی استفاده از زبان جامعه‌شناسی برای توصیف، تحلیل و ایجاد ترکیب‌های مفهومی و گزاره‌های جامعه‌شناختی ناظر بر اشیا یا فرایندهای اجتماعی.
- ادراک مقولات مفهومی و بیان ارتباط بین پدیده‌های اجتماعی منفرد و بستر و زمینه‌ی اجتماعی که این مقولات درون آن وجود دارند.
- استفاده‌ی کارآمد از نظریه‌ها و روش‌های جامعه‌شناسی برای نگارش متن‌هایی که گزاره‌های جامعه‌شناختی در آن‌ها به صورتی نظام‌مند جا گرفته باشد.
- توانمندی در یافتن مسئله یا مسائلی از میان جریان مداوم واقعیت‌هایی که در زندگی اجتماعی وجود دارند.
- توانایی نوشتن و تبدیل کردن اندوخته‌های ذهنی به کلمات، گزاره‌ها و متون به گونه‌ای که گروه‌های مختلف مردم از روزنامه خوان‌های معمولی تا متخصصان علوم اجتماعی بتوانند با آن ارتباط برقرار کنند.

- بی‌علاقگی دانشجویان به فراتر رفتن از دنیای محدود اطراف خود و حرکت بین فرهنگی یا سیر در تاریخ و کسب ادراکی مقایسه‌ای از تحول موضوعات علوم اجتماعی در طی این کاوش (شارع‌پور و همکاران، ۱۳۸۹: ۵).

از این‌رو با توجه به ماهیت رشته‌های دانشگاهی، سنجش توانایی داوطلبین در سطوح بالای شناختی باید در اولویت آزمون‌ها باشد نه سطوح پایین شناختی همچون سطح دانش که حفظ مطالب مشخصه‌ی بارز آن می‌باشد، چراکه همان‌گونه که سی رایت میلز مطرح می‌کند؛ چالش بزرگ آموزش علوم انسانی انتقال مفاهیم کلیدی علوم نیست بلکه ایجاد توانایی ذهنی خاصی است که فرد را توانمند می‌کند تا این مفاهیم را برای پیوند دادن تجربه‌ی زندگی شخصی و امور منفرد با ساختارهای زندگی اجتماعی و تجربه‌ی تاریخی به‌کار بگیرد. و در چنین شرایطی حفظ مطالب کمک چندانی به پویایی و اثربخشی رشته‌های انسانی در جامعه نخواهد کرد. بنابراین توجه و دقت در طراحی پرسش‌هایی که منجر به انتخاب فرد داوطلب برای ورود به رشته‌های علوم انسانی در دانشگاه می‌شود ضروری به‌نظر می‌رسد.

از آن‌جایی که در حال حاضر در کشور ما یکی از اصلی‌ترین ابزارهای گزینش برای ورود به دانشگاه موفقیت در آزمون کنکور می‌باشد هر چند قرار بر این است که در سال‌های پیش‌رو سهم این آزمون از طریق اعمال مستقیم سوابق تحصیلی کاهش یابد اما همچنان سهم این آزمون برای ورود به دانشگاه‌ها تعیین‌کننده می‌باشد. پژوهش حاضر با استفاده از روش تحلیل محتوا بر مبنای نظریه بنجامین بلوم که سطوح شناختی را در شش سطح دانش، درک و فهم، کاربرد، تجزیه و تحلیل، ترکیب و ارزیابی مشخص و قابل سنجش کرده است به دنبال بررسی این ابزار سنجش یعنی کنکور برای پاسخگویی به سؤالات ذیل می‌باشد.

سؤالات:

- پرسش‌های کنکور سراسری از سال ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۱ ناظر بر سنجش کدام بخش از سطوح شناختی داوطلبان کنکور بر اساس الگوی شناختی بلوم می‌باشد؟
- تغییرات نوع سؤالات بر حسب سطوح شناختی بلوم (دانش، درک و فهم، کاربرد، تجزیه و تحلیل، ترکیب و ارزیابی) در بازه ی ده ساله‌ی ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۱ چگونه بوده است؟

پیشینه تحقیق:

با توجه به آمار بالای افراد درگیر با پدیده آزمون کنکور در ایران که سالانه ۱.۵ میلیون نفر می‌باشد (معمدی، ۱۳۸۲) و همچنین اثرگذاری این آزمون بر سرنوشت داوطلبان، تحقیقاتی در این خصوص صورت گرفته که بخش زیادی از این تحقیقات متوجه آثار این آزمون بر روحیه و میزان اضطراب و افسردگی داوطلبان کنکور و یا خانواده‌های این داوطلبان می‌باشد؛ پژوهش‌های امیری (۱۳۷۵)، حج‌فروش (۱۳۸۱)، معمدی (۱۳۸۲)، یارمحمدیان (۱۳۸۲)، سبحانی (۲۰۰۷)،

صادقی (۱۳۸۸)، چینی‌فروشان (۱۳۹۵) از این دست پژوهش‌ها می‌باشد که نتایج این پژوهش‌ها بیانگر آثار سوء کنکور بر سلامت روان داوطلبان و خانواده‌های این افراد بوده است. از سوی دیگر پژوهش‌هایی با محوریت بررسی علل و عوامل موثر بر موفقیت در این آزمون صورت گرفته است که می‌توان به پژوهش‌های زکی (۱۳۸۴)، خلیل‌زاده و قلعه‌ای (۱۳۹۴)، خدایی و همکاران (۱۳۹۵)، نریمانی و میری (۱۳۹۶)، برازنده و زارعی (۱۳۹۹) اشاره نمود. درخصوص تحلیل محتوای سوالات کنکور که موضوع این پژوهش می‌باشد نیز پژوهش‌هایی صورت گرفته که می‌توان در ذیل به برخی از این پژوهش‌ها اشاره کرد؛

تحلیل پرسش‌های کنکور سراسری در رشته ریاضی - فیزیک توسط زارعی و همکاران (۱۳۹۵) یکی از این پژوهش‌ها می‌باشد که نتایج آن نشان داد که پرسش‌های کنکور سراسری رشته ریاضی و فیزیک، ناظر بر سنجش هدف‌های آموزشی دروس ریاضی دوره متوسطه دوم بوده و از جنبه سنجش معلومات دانش‌آموزان، ۷/۲۷ درصد از سوال‌ها در سطح دانش، ۲۰ درصد در سطح فهمیدن، ۳۶/۳۶ درصد در سطح کاربرد، ۲۵/۴۵ درصد در سطح تحلیل، ۹/۰۹ درصد در سطح ترکیب و ۱/۸۱ درصد در سطح ارزشیابی تهیه و تدوین شده‌اند (زارعی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۳۹).

جعفرپور^۱ (۲۰۰۲) نیز در مطالعه‌ای به بررسی کاستی‌های آزمون زبان انگلیسی کنکور سال ۱۳۷۹ در چهار گروه علوم انسانی، ریاضی فیزیک، علوم تجربی و هنر پرداخته است. نتایج این مطالعه نشان داده است که؛ آزمون زبان انگلیسی و کنکور از نظر هدف و پرسش‌های آن دارای کاستی‌های فراوان است. هدف آزمون، سنجش محفوظات داوطلبان است و به توانایی داوطلب در کاربرد زبان توجهی ندارد و با ۲۵ پرسش حتی اگر پرسش‌ها خوب تهیه شده باشند، نمی‌توان تعیین کرد چه کسی توانش زبانی دارد (Jafarpoor, 2002).

کیوانفر^۲ (۲۰۰۹) در پژوهشی با عنوان آسیب‌شناسی و عدم تطابق نظام آموزشی با کیفیت پرسش‌های آزمون سراسری، اظهار می‌دارد، پرسش‌های آزمون سراسری بیشتر از نوع چهار گزینه‌ای طرح می‌شوند در حالی که پژوهش‌ها نشان می‌دهند که بیشتر فراگیران در نظام آموزشی به پرسش‌های انشایی عادت کرده‌اند. با وجود این وجه تمایز آشکار دانش‌آموزان با آزمون‌های عینی غربال می‌شوند. در صورتی که آزمون‌های عینی به تنهایی قادر به تفکیک افراد پرتوان و شایسته از افراد ضعیف نمی‌باشند. از مهم‌ترین دلایل این ادعا محدودیت این نوع آزمون‌ها در سنجش ابتکار، خلاقیت و نوع‌آوری فراگیران است. این آزمون‌ها امکان استفاده از تفکر واگرا را به افراد نمی‌دهند زیرا در آزمون‌های عینی هر پرسشی تنها یک پاسخ ویژه خود را دارد و پاسخ دهنده محدود به انتخاب یکی از گزینه‌های پرسش است (Keyvanfar, 2009).

1. Jafarpoor
2. Keyvanfar

حاتمی و رضوانی‌فر (۱۳۹۴) در پژوهشی به منظور مقایسه‌ی رتبه‌های ۱ تا ۱۰۰ در رشته‌های علوم انسانی، علوم تجربی و ریاضی فیزیک مشاهده کردند تفاوتی در پاسخ آن‌ها در سطوح مختلف بلوم وجود ندارد و افراد برتر در هر سه گروه از نظر سطوح شناختی با هم تفاوتی نداشتند. ولی در رتبه‌های ۱ تا ۱۰۰ تفاوت معنی‌داری دیده شد و رشته ریاضی فیزیک در مقابل رشته‌های انسانی و تجربی پاسخ‌های بیشتری به سطوح تحلیل و سطوح بالاتر شناختی داده بودند. این نتایج نشان می‌دهد که افراد برتر در هر سه گروه از توانمندی بالایی برخوردار بودند و از این نظر تفاوتی با هم نداشتند. ولی در رتبه‌های میانی تفاوت به نفع گروه ریاضی فیزیک بود (حاتمی و رضوانی‌فر، ۱۳۹۴: ۱۵۹).

همچنان که مشاهده می‌شود با وجود درک اهمیت بررسی محتوای سؤالات کنکور در بین محققین، بررسی سؤالات کنکور در رشته علوم انسانی و همچنین بررسی تغییرات نوع سؤالات در دوره‌های مختلف از سوی پژوهشگران مغفول مانده است. از این رو پژوهش حاضر در نظر دارد سؤالات کنکور سراسری را در بازه‌ی ده ساله از سال ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۱ بر اساس الگوی بلوم را مورد بررسی قرار دهد.

مبانی نظری:

ایده طبقه‌بندی هدف‌های تربیتی برای اولین بار در سال ۱۹۴۵ میلادی مطرح شد و گروهی از متخصصان تعلیم و تربیت و سنجش و اندازه‌گیری، طبقه‌بندی‌های مختلفی از هدف‌های تربیتی را ارائه نمودند. بنجامین بلوم در سال ۱۹۵۶ میلادی در طبقه‌بندی هدف‌های آموزشی در حیطه شناختی پرداخت. در طبقه‌بندی بلوم اهداف آموزشی در سه حیطه مختلف: شناختی، عاطفی و روانی- حرکتی قرار می‌گیرند. هدف‌های حیطه شناختی بر یادآوری و بازسازی آنچه آموختن ضروری است تاکید دارد. در این حیطه اهداف از ساده‌ترین سطح شناخت به هدف‌های شناختی با آنچه شاگرد باید بداند و بفهمد سروکار دارد. هدف یادگیری در حیطه‌ی شناختی بر اساس طبقه‌بندی بلوم، شامل شش سطح به شرح زیر است:

- دانش یا یادآوری: یعنی آیا دانش‌آموزان قادرند اطلاعات را به یاد آورند؟
- درک و فهم: یعنی آیا دانش‌آموزان قادرند مفاهیم و ایده‌ها را توضیح دهند؟
- کاربرد: یعنی آیا دانش‌آموزان می‌توانند اطلاعات را به شیوه‌ی جدیدی به کار ببرند؟
- تجزیه و تحلیل: یعنی آیا دانش‌آموزان می‌توانند قسمت‌های مختلف یک بخش را از هم تشخیص بدهند؟
- ترکیب: یعنی آیا دانش‌آموزان می‌توانند با یک ایده‌ی جدید، دیدگاه جدیدی را خلق کنند؟

- ارزیابی: بدین معنا می‌باشد که آیا دانش‌آموزان می‌توانند یک تصمیم را به‌طور منطقی توجیه کنند؟ (رشیدی و راغ‌نژاد، ۱۳۹۴: ۹۱).

روش تحقیق:

روش تحقیق این پژوهش تحلیل محتوای کمی بر اساس حیطه شناختی بلوم می‌باشد و جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه سوالات جامعه‌شناسی کنکور سراسری از سال ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۱ می‌باشد. هر چند برای ورود به رشته‌های مختلف علوم انسانی وضعیت داوطلب در دروس مختلف سنجیده می‌شود اما بنا به محدودیت پژوهش در این پژوهش سوالات جامعه‌شناسی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. این پژوهش از نوع پژوهش توصیفی است. زیرا سوالات بدون هیچ دخل و تصرفی مورد بررسی قرار گرفته و در تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی یعنی میانگین، فراوانی و درصد داده‌ها استفاده شده است. پس از طبقه‌بندی هر یک از سوال‌های کنکور و مشخص کردن آنها فراوانی هر یک و طبقه‌بندی‌های به‌دست آمده و درصد هر کدام نیز محاسبه و سپس فراوانی میانگین و درصد هر کدام مورد مقایسه قرار گرفته است. اطلاعات جمع‌آوری شده با استفاده از جدول فراوانی و نمودار توصیف و تجزیه و تحلیل شده است.

روایی و پایایی:

به‌منظور تعیین روایی پژوهش حاضر، تعاریف عملیاتی هر مقوله و دستورالعمل کدگذاری در الگوی بلوم، در اختیار چند نفر از اساتید حوزه آموزش و برنامه‌ریزی درسی جهت قضاوت و داوری قرار داده شد و اساتید شایستگی قرار گرفتن مقوله‌ها و دستورالعمل کدگذاری را مورد تایید قرار دادند. جهت محاسبه پایایی، رمزگذار باید یک متن را دوبار و با یک فاصله زمانی مشخص، رمزگذاری کند تا تحلیل‌گر بتواند توافق بین دو بار رمزگذاری را اندازه‌گیری نماید (نوریان، ۱۳۸۸: ۹۶). از این‌رو محقق به‌منظور سنجش پایایی، ۶۰ درصد از سوالات تحلیل شده قبلی را دوباره مورد تحلیل قرار داده و با توجه به درصد بالای توافق که ۹۶ درصد گزارش شد، توافق دو کدگذار مشخص گردید.

یافته‌های پژوهش:

همچنان که مطرح شد در این پژوهش سوالات جامعه‌شناسی کنکور سراسری در بازه‌ی زمانی ده ساله یعنی از سال ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۱ مورد بررسی قرار گرفته است. تعداد سوالات جامعه‌شناسی در کنکور، در هر سال ۲۰ سوال می‌باشد که در مجموع ۲۰۰ سوال مورد بررسی قرار گرفته است. نکته حائز اهمیت در این پژوهش که باید مورد توجه قرار گیرد نوع بررسی سوالات می‌باشد به این ترتیب که علاوه بر توجه به نوع و ادبیات سوالات طراحی شده، با استناد به پاسخنامه‌های منتشر شده از سوی سازمان سنجش به بخش‌هایی از کتاب که از آن قسمت سوال استخراج شده مراجعه و سوالات در بافت و زمینه کتاب نیز مورد بررسی قرار گرفته است تا سوال در مقایسه با متن اصلی

نیز مورد بررسی قرار گیرد و از این طریق میزان خطا به حداقل برسد. در جدول ذیل نتایج بررسی سوالات بر اساس سطوح حیطة شناختی بلوم به تفکیک سال ارائه شده است.

جدول شماره ۱: طبقه‌بندی سوالات جامعه‌شناسی کنکور بر اساس سطوح حیطة شناختی

بلوم (۱۳۹۲-۱۴۰۱)

ارزشیابی	ترکیب	تجزیه و تحلیل	کاربردی	درک و فهم	دانش	سطح سال
		۲۳۲			۲۱۶.۲۱۷.۲۱۸ ۲۱۹.۲۲۰.۲۲۱. ۱.۲۲۲.۲۲۳.۲ ۲۴.۲۲۵.۲۲۶. ۲۲۷.۲۲۸.۲۲۹ ۲۳۰.۲۳۱.۲۳۲. ۳.۲۳۴.۲۳۵	۱۳۹۲
		۲۱۷		۲۱۶.۲۲۳.۲۲۵.۲۲۹.۲ ۳۰.۲۳۳	۲۱۸.۲۱۹.۲۲۰ ۲۲۱.۲۲۲.۲۲۳. ۴.۲۲۶.۲۲۷.۲ ۲۸.۲۳۱.۲۳۲. ۲۳۴.۲۳۵	۱۳۹۳
	۲۳۵	۲۲۵		۲۱۶.۲۱۷.۲۱۹.۲۲۱.۲ ۲۲.۲۲۷.۲۲۹.۲۳۰.۲ ۳۱	۲۱۸.۲۲۰.۲۲۳ .۲۲۴.۲۲۶. ۲۲۸.۲۳۲.۲۳۳ ۲۳۴.	۱۳۹۴
		۲۲۳		۲۱۶.۲۲۱.۲۲۶.۲۲۷. ۲۳۰.۲۳۵	۲۱۷.۲۱۸.۲۱۹ ۲۲۰.۲۲۲.۲۲۳. ۴.۲۲۵.۲۲۸.۲ ۲۹.۲۳۱.۲۳۲. .۲۳۳.۲۳۴	۱۳۹۵
		۲۲۲		۲۲۱.۲۳۱.۲۳۲.۲۳۴. ۲۳۵	۲۱۶.۲۱۷.۲۱۸ ۲۱۹.۲۲۰.۲۲۱. ۳.۲۲۴.۲۲۵.۲ ۲۶.۲۲۷.۲۲۸. ۲۲۹.۲۳۰.۲۳۳	۱۳۹۶
				۲۱۶.۲۱۷.۲۲۰.۲۲۱.۲ ۲۸.۲۳۰.۲۳۱.۲۳۳	۲۱۸.۲۱۹.۲۲۲ ۲۲۳.۲۲۴.۲۲۵. ۵.۲۲۶.۲۲۷.۲	۱۳۹۷

					۲۹.۲۳۲.۲۳۴. ۲۳۵	
		۲۱۷	۲۲۹	۲۱۶	۲۱۸.۲۱۹.۲۲۰. ۲۲۱.۲۲۲.۲۲. ۳.۲۲۴.۲۲۵.۲ ۲۶.۲۲۷.۲۲۸. ۲۳۰.۲۳۱.۲۳۲ ۲۳۳.۲۳۴.۲۳. ۵	۱۳۹۸
				۲۲۱.۲۲۵.۲۲۷.۲۳۳	۲۱۶.۲۱۷.۲۱۸ ۲۱۹.۲۲۰.۲۲. ۲.۲۲۳.۲۲۴.۲ ۲۶.۲۲۸.۲۲۹. ۲۳۰.۲۳۱.۲۳۲ ۲۳۴.۲۳۵.	۱۳۹۹
		۲۲۳	۲۳۵	۲۱۶.۲۱۹	۲۱۷.۲۱۸.۲۲۰. ۲۲۱.۲۲۲.۲۲. ۴.۲۲۵.۲۲۶.۲ ۲۷.۲۲۸.۲۲۹. ۲۳۰.۲۳۱.۲۳۲ ۲۳۳.۲۳۴.	۱۴۰۰
				.۱۶۷.۱۷۰.۱۷۶.۱۷۷	.۱۶۶ ۱۶۸.۱۶۹.۱۷۱ ۱۷۲.۱۷۳.۱۷. .۱۷۸ .۴.۱۷۵ ۱۷۹.۱۸۰.۱۸۱ ۱۸۲.۱۸۳.۱۸. ۴.۱۸۵	۱۴۰۱

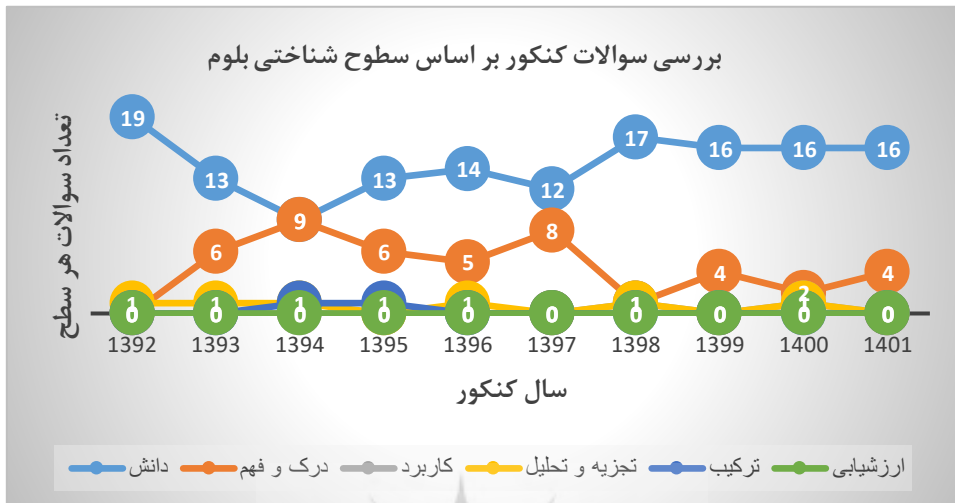
همچنانکه مشاهده می‌شود در جدول شماره ۱ سوالات، بررسی و در طبقه‌بندی سطوح شناختی بلوم جاگذاری شده‌اند. در جدول شماره ۲ به تحلیل داده‌های آماری بر اساس سطوح شناختی بلوم خواهیم پرداخت.

جدول شماره ۲: بررسی سؤالات جامعه‌شناسی کنکور بر اساس سطوح شناختی بلوم (۱۳۹۲)
- (۱۴۰۱)

سال	دانش		درک و فهم		کاربردی		تجزیه و تحلیل		ترکیب		ارزشیابی	
	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد
۱۳۹۲	۹۵	۱۹	۰	۰	۰	۰	۵	۱	۰	۰	۰	۰
۱۳۹۳	۶۵	۱۳	۳۰	۶	۰	۰	۵	۱	۰	۰	۰	۰
۱۳۹۴	۴۵	۹	۴۵	۹	۰	۰	۵	۱	۰	۵	۱	۰
۱۳۹۵	۶۵	۱۳	۳۰	۶	۰	۰	۰	۰	۰	۵	۱	۰
۱۳۹۶	۷۰	۱۴	۲۵	۵	۰	۰	۵	۱	۰	۰	۰	۰
۱۳۹۷	۶۰	۱۲	۴۰	۸	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۱۳۹۸	۸۵	۱۷	۵	۱	۵	۱	۵	۱	۰	۰	۰	۰
۱۳۹۹	۸۰	۱۶	۲۰	۴	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۱۴۰۰	۸۰	۱۶	۱۰	۲	۵	۱	۵	۱	۰	۰	۰	۰
۱۴۰۱	۸۰	۱۶	۲۰	۴	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
جمع	۷۲.۵۰	۱۴۵	۲۲.۵۰	۴۵	۱	۲	۳	۶	۱	۲	۱	۰

داده‌های استخراج شده نشان می‌دهد از ۲۰۰ سوال جامعه‌شناسی در کنکور سراسری طی ده سال، ۱۴۵ سوال در سطح دانش، ۴۵ سوال در سطح درک و فهم، ۲ سوال در سطح کاربردی، ۶ سوال در سطح تجزیه و تحلیل و ۲ سوال در سطح ترکیب می‌باشند. اگر قرار باشد رفتار طراحان سوال طی ده سال اخیر را مورد بررسی قرار دهیم با اختصاص ۹۵ درصد سؤالات در سطوح دانش و درک و فهم در تمامی سال‌های مورد نظر، پی به اصرار و تمایل طراحان سوال برای طراحی سؤالات در این سطوح می‌بریم. پس از سطوح دانش و درک و فهم، تجزیه و تحلیل بیشترین سؤالات را به خود اختصاص داده و پس از آن سطوح کاربردی و ترکیب قرار دارند که طی ده سال فقط دو سوال در هر سطح طراحی شده و در نهایت سطح ارزشیابی قرار دارد که در بازه زمانی ده ساله حتی یک سوال به آن اختصاص داده نشده است. داده‌ها نشان می‌دهد هر چه به سطوح بالای شناختی حرکت کنیم تعداد سؤالات به شکل کاملاً مشهودی کاهش می‌یابد. جهت درک بهتر تغییر رفتار در طراحی سؤالات کنکور، داده‌های استخراج شده را در قالب نمودار شماره (۱) ترسیم و تحلیل خواهیم کرد.

نمودار شماره ۱: بررسی سوالات جامعه‌شناسی کنکور بر اساس سطوح شناختی بلوم
(۱۴۰۱-۱۳۹۲)



بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد در تمامی سال‌ها تعداد سوالات در سطح دانشی با فاصله‌ی بسیار زیاد در رتبه اول قرار دارد که البته در سال ۱۳۹۴ به یک‌باره ۲۰ درصد از سوالات در سطح دانشی به نفع سوالات در سطح درک و فهمی کاهش می‌یابد. البته در این سال شاهد تغییر دیگری از جمله اختصاص یک سوال در سطح ترکیبی به سوالات جامعه‌شناسی هستیم که در سال ۱۳۹۵ یک‌بار دیگر یک سوال در سطح ترکیبی به سوالات اضافه شده‌است اما پس از سال ۱۳۹۵ این اتفاق رخ نداده است. در سال ۱۳۹۷ یک‌بار دیگر شاهد کاهش تعداد سوالات در سطح دانشی می‌باشیم اما کاهش سوالات در این بخش به سیاق قبل فقط به نفع سوالات در سطح درک و فهم بوده است و طراحان سوال نتوانسته‌اند این تغییر را به سمت سطوح بالاتر شناختی هدایت کنند.

نتیجه‌گیری:

نتیجه تحقیق به‌طور کلی نشان از پراکندگی نامتوازن سطح سوالات از نظر طبقه‌بندی بلوم به نفع سطوح پایین شناختی دارد. به این نحو که سهم سوالات در سطوح شناختی دانش، درک و فهم، کاربرد، تجزیه و تحلیل، ترکیب و ارزشیابی به ترتیب ۷۲.۵ درصد، ۲۲.۵ درصد، ۱ درصد، ۳ درصد، ۱ درصد و صفر درصد می‌باشد. در خصوص استمرار طراحی سوالات کنکور به این شکل در بازه‌ی ده ساله مورد بررسی، از نظر نویسنده سوالات و فرضیاتی مطرح می‌باشد که ماهیت محتوای کتب درسی می‌تواند یکی از این موارد باشد یعنی این کتب تا چه اندازه این امکان را به طراحان می‌دهد که سوالاتی در سطوح بالای شناختی طراحی کنند؟ در خصوص تحلیل محتوای کتب جامعه‌شناسی دوره دوم متوسطه پژوهش‌های قانع‌کننده‌ای در دست نیست اما در خصوص سایر کتب درسی

پژوهش‌های؛ گردانی (۲۰۰۸)، دروکان (۲۰۰۹)، اژدری (۱۳۸۷)، محمدی (۱۳۸۹)، رزمجو و کاظم-پورفرد (۲۰۱۲)، موسی‌پور (۱۳۹۶)، حضرتی (۱۳۹۶)، حیدری‌مقدم و همکاران (۱۳۹۵)، رشیدی و راغ‌نژاد (۱۳۹۳)، مجاهد و صادقی (۱۳۹۲)، محمدی‌پاک و همکاران (۱۳۹۶) نشان می‌دهد که در محتوای کتب درسی بیشترین توجه به سطوح پایین شناختی و کمترین توجه به سطوح بالای شناختی شده است که البته برخی از تحقیقات همچون طهماسبی و همکاران (۱۳۹۳)، وارنر^۱ (۲۰۰۴) نشان می‌دهد که همین روند در مقاطع بالاتر یعنی در آموزش عالی، هم در طرح درس اساتید و هم توانمندی‌های دانشجویان قابل مشاهده است این در حالی است که کارشناسان معتقدند نحوه و محتوای دروس علوم اجتماعی باید بر اساس سه قلمرو؛ شناختی که صرفاً با فعالیت‌های ذهنی فراگیران در ارتباط است، مهارتی که با مهارت‌ها و توانایی‌های عملی مرتبط است و قلمرو ارزشی که جنبه عاطفی دارد و نگرش‌ها و طرز تلقی‌های اجتماعی افراد را نشان می‌دهد (شارع‌پور و سلیمانی-بشلی، ۱۳۹۰: ۱۳۵) تعیین شود. از سوی دیگر تحقیقات نشان می‌دهد که معلمان هنوز توانایی پرورش مهارت‌های تفکر انتقادی و استدلال را در فراگیران‌شان ندارند (کاپس و وک^۲، ۱۹۹۱؛ هالت^۳، ۱۹۹۰؛ لینهاردت و همکاران^۴، ۱۹۹۴؛ به نقل از نوشادی و خادمی، ۱۳۹۰: ۱۰۹). یعنی علاوه بر وضعیت محتوای کتب درسی عدم مهارت و توانایی معلمین در پرورش خلاقیت دانش‌آموزان از دیگر عوامل قابل بررسی می‌باشد.

پیشنهادهای:

باتوجه به وضعیت تشریح شده در خصوص محتوای کتب درسی، توانمندی معلمان و همچنین ابزار سنجش داوطلبین کنکور برای ورود به رشته‌های علوم انسانی در دانشگاه به نظر می‌رسد ما نیازمند ایجاد تغییرات جدی در محتوای کتب درسی، توانمند کردن دبیران مربوطه و ایجاد تغییرات بنیادین در طرح سوالات کنکور می‌باشیم. با توجه به موضوع پژوهش و بررسی صورت گرفته در خصوص طراحی سوالات کنکور، محقق پیشنهاد می‌کند:

- برای رسیدن به دیدی واقع‌بنیانه‌تر ابتدا محققین صاحب‌های عمیقی با طراحان سوالات آزمون‌های موثر همچون کنکور سراسری انجام داده تا علل و عوامل تمایل و اصرار طراحان سوال بر طرح سوالات در سطوح دانشی شناسایی شود.
- الزام طراحان سوال به اختصاص سوال به تمامی سطوح شناختی در آزمون کنکور سراسری در دستور کار عوامل اجرایی قرار گیرد.

1 Warner

2 Capps & Vocke

3 Holt

4 Leinhardt & et al

- به حداقل رساندن سوالات دانشی که صرفاً محفوظات دانش‌آموزان را مورد سنجش قرار می‌دهد در دستور کار قرار گیرد، چراکه این سطح از شناخت طبق نظریه‌ی بلوم در پایین‌ترین بخش سطوح شناخت قرار دارد. در وضعیت فعلی که غلبه بر سوالات دانشی می‌باشد عموماً داوطلبان برای آمادگی در آزمون کنکور به جای یادگیری عمیق و تمرکز و تحلیل و بررسی متون کتاب‌ها، به مرور سوالات پرتکرار کنکور و تکنیک‌های تست‌زنی روی می‌آورند.

- همفکری و نظرخواهی از متخصصان و اساتید مطرح رشته‌های دانشگاهی و شناسایی مهارت‌های شناختی مورد نیاز رشته‌ها، یکی دیگر از اقداماتی می‌باشد که نیازمند دقت عمل و توجه ویژه می‌باشد. چراکه با طراحی سوالاتی که سطوح شناختی مورد نظر رشته را می‌سنجد، امکان جذب دانشجویانی با ویژگی‌های مورد نیاز رشته فراهم می‌شود. و از این طریق هم‌خوانی نیاز رشته با توانایی‌های داوطلبین محقق می‌گردد.

در نهایت به نظر نویسنده با توجه به جایگاه کنکور در کشور، ایجاد تغییر در ابزار سنجش منجر به تغییر نحوه تدریس و حتی تغییر محتوای کتب خواهد شد همچنان که پژوهش فتح‌آبادی و همکاران (۱۳۹۶) نشان داد که آزمون سراسری بر هدف‌گذاری، نگرش و انگیزه دانش‌آموزان برای یادگیری تأثیر معنی‌دار دارد (برازنده و زارعی، ۱۳۹۷: ۳۸). همچنین ایراشیان‌ونس^۱ (۱۹۹۳) در این رابطه اظهار می‌دارند، نوع آزمون و مهارت در استفاده از آزمون‌های معتبر بر عادت‌های مطالعه و پیشرفت تحصیلی فراگیران تأثیر گذار است (زارعی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۴۲).

منابع:

- ازدري، آرزو (۱۳۸۷) تحلیل محتوای کتاب‌های زیست‌شناسی دوره متوسطه نظری برمبنای طبقه‌بندی بلوم درحیطه شناختی درسال ۱۳۸۶-۱۳۸۷، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد برنامه‌ریزی درسی، دانشکده ادبیات و علوم‌انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- امیری، طاهره (۱۳۷۵) مقایسه اثر روش‌های رفتار درمانی، شناخت درمانی، شناختی-رفتاری در میزان کاهش اضطراب امتحان دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه، نظام‌جدید در سال تحصیلی ۷۵-۱۳۷۴ در شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد علوم تربیتی، دانشگاه تربیت معلم.
- برازنده، لیلیا؛ زارعی، حیدرعلی (۱۳۹۹) بررسی تفاوت نگرش تحصیلی و انگیزش پیشرفت دانش‌آموزان بر اساس حضور یا عدم حضور در کلاس‌های کنکور مدارس، فصلنامه مطالعات اندازه‌گیری و ارزشیابی آموزشی، شماره ۲۹: ۳۵-۵۹.
- چینی‌فروشان، مسعود؛ نشاط‌دوست، حمیدطاهر؛ عابدی، محمدرضا (۱۳۹۵) اثربخشی مداخله گروهی مدیریت استرس به شیوه شناختی-رفتاری بر اضطراب امتحان پسران داوطلب کنکور سراسری، فصلنامه مطالعات روان‌شناختی‌بالینی، شماره ۲۳: ۱۳۳-۱۴۸

حاتمی، جواد؛ رضوانی‌فر، شیرین (۱۳۹۴) بررسی تفاوت نمرات نفرات برتر گروه‌های آزمایشی ریاضی، تجربی و علوم‌انسانی در کنکور سراسری ۱۳۹۰ بر اساس سطوح شناختی بلوم، فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی، شماره ۱۹: ۱۵۹-۱۷۲.

حج‌فروش، احمد (۱۳۸۳) کنکور سد راه دانایی جوانان، ماهنامه پژوهش، موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی درسی و نوآوری آموزشی، شماره ۳۱.

حضرتی، عباس (۱۳۹۶) تحلیل پرسش‌های کتاب علوم تجربی پایه پنجم ابتدایی بر اساس حیطه شناختی بلوم، سومین همایش ملی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم‌انسانی و مطالعات اجتماعی ایران، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی سروش حکمت مرتضوی، ایران.

حیدری‌مقدم، سکینه؛ بهجتی‌اردکانی، فاطمه؛ ناظمی‌اردکانی، بتول (۱۳۹۵) بررسی تطبیقی اهداف حیطه شناختی بلوم در کتاب علوم تجربی پایه ششم ابتدایی، اولین همایش ملی تازه‌های تعلیم و تربیت در نظام آموزشی ایران، اردکان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردکان، ایران.

خدایی، ابراهیم؛ حبیبی، مجتبی؛ جمالی، احسان؛ باقی‌یزدل، رقیه؛ خلقی، حبیبه (۱۳۹۶) شناسایی عوامل مؤثر در پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی دانشجویان بر اساس اطلاعات تحصیلی مقطع متوسطه و کنکور سراسری، فصلنامه مطالعات اندازه‌گیری و ارزشیابی آموزشی، شماره ۱۹: ۷-۳۳.

خلیل‌زاده، فریبا؛ قلعه‌ای، علیرضا (۱۳۹۴) بررسی بین رابطه سبک‌های یادگیری و موفقیت در کنکور دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی ارومیه در سال تحصیلی ۹۲-۹۳، مجله دانشکده پرستاری و مامایی ارومیه، دوره سیزدهم شماره ۷: ۵۷۱-۵۶۳.

رشیدی، ناصر؛ راغ‌نژاد، محسن (۱۳۹۴) ارزیابی محتوایی کتاب‌های زبان فارسی (درس‌های پایه و پایتخت ایران) در چارچوب طبقه‌بندی تجدیدنظر شده بلوم، فصلنامه علم زبان، شماره ۲: ۸۳-۹۵.

زارعی، رضا؛ اوجی‌نژاد، احمدرضا؛ صارمی‌نوری، معصومه (۱۳۹۵) تحلیل پرسش‌های کنکور سراسری در رشته ریاضی فیزیک، فصلنامه رهیافتی‌نو در مدیریت آموزشی، شماره ۳: ۱۳۹-۱۶۲.

زکی، محمدعلی (۱۳۸) بررسی جامعه‌شناختی نقش عوامل اجتماعی رضایت اجتماعی و عزت نفس بر موفقیت تحصیلی. مجله تربیت و روان‌شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان، شماره ۲: ۴۲-۲۱.

سبحانی، عبدالرضا؛ شهیدی، مهرداد (۱۳۸۶) آسیب‌شناسی کنکور و بررسی امکان حذف آن در نظام پذیرش دانشجو، فصلنامه دانش و پژوهش در علوم تربیتی، شماره ۱۳: ۱۸۱-۱۶۱.

شارع‌پور، محمود؛ سلیمانی‌بشلی، محمدرضا (۱۳۹۰) چالش‌های آموزش علوم اجتماعی در ایران. جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، شماره ۱: ۱۳۱-۱۵۷.

شارع‌پور، محمود؛ فاضلی، محمد (۱۳۸۹) آموزش جامعه‌شناسی و بینش جامعه‌شناختی، دانشنامه علوم اجتماعی، دوره ۱، شماره ۳: ۲۱-۱.

صادقی، نرگس (۱۳۷۸) بررسی عوامل مؤثر بر موفقیت و عدم موفقیت داوطلبان معدل بالا (۱۹-۲۰) در کنکور سراسری ۱۳۷۷؛ پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی دانشگاه الزهراء.

طهماسبی، محمد؛ روزبهی، امراالله؛ دهقانی، نسرين؛ طاهری، ندا؛ موسوی زاده، علی؛ خلقی فرد، حمیده (۱۳۹۳) بررسی میزان استفاده از افعال حیظه‌های مختلف طبقه‌بندی بلوم در برنامه طرح درس روزانه اساتید علوم پزشکی یاسوج، پانزدهمین همایش کشوری آموزش علوم پزشکی.

کردان، علی محمد (۱۳۸۱) مبانی گزینش دانشجو. مجموعه مقالات سمینار بررسی روش‌ها و مسائل آزمون‌های ورودی دانشگاه‌ها، خانه ریاضیات اصفهان.

گرامی پور، مسعود؛ طالب زاده، حسین و مهدی، سمیه (۱۴۰۰) تعیین مدل بهینه تشخیصی شناختی (CDM) بخش دستور زبان مجموعه زبان انگلیسی کنکور سراسری کارشناسی ارشد. دوماهنامه علمی-پژوهشی جستارهای زبانی، دوره ۱۲۵، شماره ۱: ۱۸۷-۲۱۸.

مجاهد، مریم؛ صادقی، اعظم (۱۳۹۲) تحلیل تمرین‌ها و فعالیت‌های کتاب شیمی (۲) بر مبنای طبقه‌بندی بلوم، هشتمین سمینار آموزشی شیمی ایران، دانشگاه سمنان.

محمدی پاک، حسین؛ سعیدی ابواسحاقی، اصغر؛ مالکی سونکی، علی اصغر؛ حاجتی کاجی، حسین (۱۳۹۶) تحلیل محتوا کتاب درسی علوم سوم ابتدایی بر اساس سطوح طبقه‌بندی بلوم، دومین کنگره سراسری تحول و نوآوری در علوم انسانی، تهران، ایران.

محمدی، حسین (۱۳۸۹) تحلیل محتوای کتاب حسابان سال سوم ریاضی بر مبنای طبقه‌بندی بلوم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی کرمان.

معتمدی، عبدالله (۱۳۸۲) اثرات کنکور بر شرایط روانی راه‌یافتگان به دانشگاه، موسسه پژوهشی برنامه‌ریزی درسی و نوآوری آموزشی.

موسی پور، منصوره (۱۳۹۶) تحلیل محتوای کتاب حسابان (۱) پایه یازدهم متوسطه دوم (رشته ریاضی و فیزیک) بر اساس تکنیک ویلیام رومی و حیظه شناختی بلوم، پویش در آموزش علوم پایه، شماره ۲: ۶۳-۷۶.

نریمانی، محمد؛ میری، میرنادر (۱۳۹۶) عوامل موثر بر موفقیت تحصیلی رتبه‌های برتر کنکور: نظریه زمینه‌ای، فصلنامه پژوهش در نظام‌های آموزشی، شماره ۳۸: ۵۹-۷۹.

نوریان، محمد (۱۳۸۸) تحلیل محتوای رسانه‌های آموزشی با تاکید بر کتاب‌های درسی، تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب.

نوشادی، ناصر؛ خادمی، محسن (۱۳۹۰) ارزیابی برنامه درسی رشته مطالعات اجتماعی مراکز تربیت معلم ایران از منظر اندیشه انتقادی. فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، شماره ۳۸: ۱۳۴-۱۰۷.

یارمحمدیان، احمد؛ سهرابی، نادره (۱۳۸۳) بررسی و مقایسه تاثیر کنکور بر وضعیت روحی و شخصیتی راه‌یافتگان و راه‌نیافتگان به دانشگاه و خانواده آن‌ها، فصلنامه مطالعات روان‌شناختی، شماره ۲ و ۳: ۱۱۹-۱۳۶.

Durukan, E. (2009). class to understand the text in Turkish textbooks: A taxonomic review of questions. Education. 181. 84-93.

Gordani, Y. (2008). A content analysis of guidance school English textbooks with regard to Bloom s levels of learning. Unpublished M.A. thesis, Shiraz University, Iran.

Jafarpour, AJ. (2002). Some English Language Testing shortcomings and recommendations to solve them, Proceedings of the Seminar on the investigation

the methods and issues related to university entrance exams, Isfahan University. [persian]

Keyvanfar, MR. (2009). Pathology and mismatch between educational system with quality of university entrance exam questions. Proceedings of methods and universities entrance exam issues, Isfahan. [persian]

Razmjoo, S. A., and Kazempourfard, E. (2012). "On the representation of Bloom's revised taxonomy in Interchange course books. The Journal of Teaching Language Skills. 4 (1). 171-202. [persian]

Sobhani, Abdul rasoul, Shahidi, Merdad. (2007) histopathological examination and possible removal of the admissions system, journal of curriculum, no. 161, pp 181-201. [persian]

Warner , Isiahm, oct. (2015). climbing Bloom 's ladder youmal of chemical Education. vol. &0, N. 01, pp: 06-05





پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی